

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد

۲۰۲۶ / ۴ / ۲۶

ن. جلیزاد

## دفاع حقوقی از داکتر ماهرنگ بلوچ

### چکیده و طرح دعوا



دوسیه ای داکتر ماهرنگ بلوچ، طیب سی وسه ساله، رهبر کمیته یگانگی بلوچ ( Baloch Yakjehti Committee) و نامزد جایزه نوبل صلح، در سال ۲۰۲۶ از سوی دادگاه ضدتروریسم کوئته به حبس ابد محکوم شد، نمونه ای آموزشی از سوءاستفاده نظام مند قوانین ضدتروریسم برای خاموش کردن مبارزه مدنی مسالمت آمیز است.

این نوشتار، با تکیه بر اسناد بین المللی حقوق بشر، رویه های قضایی تطبیقی، و گزارشهای مستند نهادهای ناظر، استدلال می کند که این حکم نهنها از منظر حقوق داخلی پاکستان، بلکه از منظر تعهدات بین المللی این کشور، باطل و غیرقابل اجراست.

### زمینه واقعی دوسیه و بستر اتهامات

اتهامات علیه داکتر بلوچ از رویدادهای تجمع اعتراضی گوادر در سال ۲۰۲۴ ناشی می شود، تجمعی که در عکس العمل به کشته شدن فعالان بلوچ توسط نیروهای امنیتی برگزار شد. سارنوالی مدعی است که یک نیروی مرزی به نام شبیر بلوچ در جریان این تجمع آسیب دیده و بعداً جان خود را از دست داده است.

با این حال، بنا بر گزارش رسمی سازمان عفو بین الملل، محاکمه این دوسیه «به صورت محرمانه و سریع در داخل زندان» و بدون ارائه هیچ مدرک مستقیمی که متهمان را به خشونت یا قتل مرتبط سازد، انجام شده است. اتهام علیه داکتر بلوچ، نه بر اساس مشارکت در عمل خشونتبار، بلکه صرفاً بر پایه «شرکت در تجمع و سخنرانی» شکل گرفته است.

د پانو شمیره: له ۱ تره

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په څیر و لولئ

## این تمایز حقوقی بنیادین است:

نظام‌های حقوقی مدرن، میان مسئولیت کیفری فردی (individual criminal responsibility) و مسئولیت جمعی یا نمادین (collective/symbolic liability) تفکیک قاطع قائل اند. اصل مسئولیت شخصی کیفری (nullum crimen sine actu) که در ماده ۲۵ اساسنامه روم دیوان کیفری بین‌المللی و در رویه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا تثبیت شده، صراحتاً منع میکند که فردی به صرف حضور در تجمع یا ایراد سخنرانی، مسئول اعمال خشونت بار دیگران شناخته شود، مگر آن‌که رابطه علی مستقیم (direct causal nexus) یا قصد مجرمانه مشترک (joint criminal enterprise) با عنصر mens rea اثبات‌شده) به‌طور قاطع احراز گردد.

## نقض اصل برائت و استانداردهای دادرسی عادلانه

ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR)، که پاکستان در سال ۲۰۱۰ بدان ملحق شده، صریحاً اصل برائت (presumption of innocence) و حق برخورداری از محاکمه علنی، مستقل و بی طرف را تضمین می‌کند.

کمیته حقوق بشر سازمان ملل، در تفسیر کلی شماره ۳۲ خود بر این ماده، تأکید کرده که دادرسی‌های نظامی یا شبه نظامی برای غیرنظامیان، به خصوص در دوسیه‌های دارای ابعاد سیاسی، با استانداردهای استقلال و بی طرفی مغایرت ساختاری دارد.

## در دوسیه ای حاضر، چندین نقض آشکار قابل شناسایی است:

**نخست**، محرمانه بودن محاکمه (in-camera trial) درون زندان، بدون دسترسی کامل وکلای مستقل به دوسیه، ناقض ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۴ میثاق است که محاکمه علنی را الزامی می‌داند، مگر در موارد استثنایی محدود که باید توسط دادگاه به‌صورت مستدل توجیه شود، امری که در این دوسیه غایب است.

**دوم**، فقدان مدرک مستقیم رابطه علی میان حضور دکتر بلوچ در تجمع و مرگ نیروی امنیتی، استاندارد «فراتر از شک منطقی» (beyond reasonable doubt) را که در نظامهای کامن لا و همچنین در رویه دیوان کیفری بین‌المللی پذیرفته شده، نقض می‌کند.

صدور حکم حبس ابد بر مبنای حضور و سخنرانی، بدون پیوند اثباتی به فعل مجرمانه

د پانو شمیره: له ۲ تره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرو لمخې په څیر و لولئ

مشخص، نمونه بارز آنچه حقوق دانان «مسئولیت بر اساس وضعیت» (status-based liability) می‌نامند، که در حقوق کیفری مدرن، نوعی بازگشت به مفهوم پیشامدرن «جرم سیاسی» (delicto politico) محسوب می‌شود و با اصل قانونی بودن جرم و مجازات (nullum crimen, nulla poena sine lege) در تعارض است.

سوم، استفاده از قوانین ضدتروریسم برای پیگرد مبارزه مدنی، نقض ماده ۱۹ و ۲۱ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است که به ترتیب آزادی بیان و آزادی تجمع مسالمت‌آمیز را تضمین می‌کنند.

کمیتة حقوق بشر در تفسیر کلی شماره ۳۷ خود، صریحاً تأکید کرده که تجمعات اعتراضی، حتی در صورت بروز پراکنده خشونت توسط برخی شرکت‌کنندگان، نباید موجب توسل به مجازات‌های نامتناسب علیه سازمان‌دهندگان یا سخنرانان مسالمت‌جو شود، مگر آن‌که تحریک مستقیم به خشونت اثبات گردد. معیاری که در رویه‌های قضایی نظیر دوسیه ای Brandenburg v. Ohio در حقوق آمریکا و دکترین «خطر قریب‌الوقوع» (imminent lawless action) شکل گرفته و اکنون به استانداردی نیمه جهانی بدل شده است.

### ابعاد جنسیتی و تبعیض ساختاری:

دکتر ماهرنگ بلوچ نه تنها یک فعال حقوق بشر، بلکه نمادی از مبارزه زنان بلوچ علیه خشونت ساختاری دولتی است.

کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (CEDAW)، که پاکستان از سال ۱۹۹۶ بدان ملحق شده، در ماده ۲ خود دولت‌های عضو را متعهد می‌سازد که از هرگونه عمل یا رویه تبعیض آمیز علیه زنان، از جمله از سوی نهادهای دولتی، بپرهیزند.

برخورد قهری و کیفری با یک فعال زن که در رأس یک جنبش اعتراضی مسالمت‌آمیز قرار دارد، در حالی که فعالان مرد همان جنبش با همان شدت یا بیشتر تحت پیگرد قرار نگرفته‌اند، الگویی از تبعیض جنسیتی نهادینه را آشکار می‌سازد که گزارشگران به خصوص سازمان ملل در امور خشونت علیه زنان بارها بدان اشاره کرده‌اند.

افزون بر این، بافت قومی دوسیه را نمی‌توان نادیده گرفت. گزارشگر به خصوص سازمان ملل در امور اقلیت‌ها، در گزارش‌های متعدد خود، اشاره کرده که اعمال نامتناسب قوانین امنیتی علیه

---

د پائو شمیره: له ۳ تر ۵

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

اقلیت قومی بلوچ در پاکستان، الگویی است که می تواند تحت چارچوب تبعیض نژادی نهادینه (systemic ethnic discrimination)، موضوع کنوانسیون بین‌المللی رفع کلیه اشکال تبعیض نژادی (ICERD)، بررسی شود.

### چارچوب بازداشت خودسرانه و ناپدیدسازی اجباری:

دکتر بلوچ از مارچ ۲۰۲۵ در توقیف و بازداشت بوده است. بازداشتی که، بر اساس گزارش های نهادهای حقوق بشری، با ویژگی‌های بازداشت خودسرانه مطابق تعریف گروه کاری سازمان ملل در امور بازداشت های خودسرانه (UNWGAD) همخوانی دارد.

این گروه کاری، در دسته بندی خود از بازداشت خودسرانه، موارد زیر را شامل می شود: بازداشت بدون مبنای قانونی روشن (دسته اول)، بازداشت ناشی از اعمال حقوق و آزادی های تضمین شده در میثاق بین‌المللی نظیر آزادی بیان (دسته دوم)، و بازداشت ناشی از نقض جدی استانداردهای دادرسی عادلانه (دسته سوم).

دوسیه ای دکتر بلوچ، به طور همزمان، در هر سه دسته قابل طبقه بندی است. علاوه بر این، زمینه شخصی این دوسیه ربایش و قتل پدر دکتر بلوچ توسط نیروهای امنیتی پس از سال ها ناپدیدسازی اجباری، این دوسیه را در چارچوب وسیع‌تر الگوی نظام‌مند ناپدیدسازی اجباری در بلوچستان قرار می‌دهد. پدیده‌ای که کارگروه سازمان ملل در امور ناپدیدسازی‌های اجباری یا غیرارادی (WGEID) بارها نسبت به آن هشدار داده است.

### شیوه های حقوقی در سطوح ملی و بین‌المللی:

در سطح ملی، تجدیدنظر در دیوان عالی پاکستان بر مبنای نقض اصول دادرسی عادلانه، فقدان مدرک مادی، و عدم تناسب میان فعل منتسب (حضور و سخنرانی) و مجازات (حبس ابد) باید فوراً پیگیری شود. این استدلال بر پایه دکتترین «تناسب مجازات» (proportionality doctrine) که در نظام های قانون اساسی متعدد، از جمله رویه قضایی دیوان عالی خود پاکستان در دوسیه های پیشین مرتبط با آزادی بیان، پذیرفته شده است.

در سطح بین‌المللی، مسیرهای زیر باید به‌صورت موازی پیگیری شوند: شکایت رسمی به کمیته حقوق بشر سازمان ملل بر اساس پروتوکول اختیاری اول میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، با استناد به نقض مواد ۹ (آزادی و امنیت شخصی)، ۱۴ (دادرسی عادلانه) و ۱۹ (آزادی بیان) ، ارجاع فوری به گروه کاری بازداشت های خودسرانه برای صدور نظریه مشورتی

د پانو شمیره: له ۴ تر ۵

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

(Opinion) درباره مشروعیت بازداشت، و درخواست از گزارشگران ویژه سازمان ملل در امور مدافعان حقوق بشر و در امور آزادی بیان برای صدور بیانیه مشترک.

کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان نیز مسیر شکایت فردی را از طریق پروتوکول اختیاری خود فراهم می سازد که باید مورد استفاده قرار گیرد.

در سطح فشار دیپلماتیک و افکار عمومی، نقش نهادهایی نظیر عفو بین الملل، دیدبان حقوق بشر، فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر (FIDH)، و کانون وکلای بین المللی (IBA) در بسیج وکلای داوطلب، ناظران بین المللی دادگاه، و کمپین های رسانه ای، حیاتی است. تجربه تاریخی دوسیه هایی مانند آنگ سان سو چی، نلسون ماندلا، و نرگس محمدی نشان می دهد که فشار هم زمان حقوقی و رسانه ای، می تواند مسیر بازنگری قضایی را در نظام های حتی بسته نیز بگشاید.

### نتیجه گیری حقوقی

#### آزمونی برای وجدان حقوقی جهانی:

دوسیه ای دکتر ماهرنگ بلوچ، فراتر از یک دعوی کیفری منفرد، آزمونی است برای پایبندی نظام بین المللی حقوق بشر به اصول بنیادینی که خود بنا نهاده: برانیت، تناسب، آزادی بیان، و برابری جنسیتی و قومی در برابر قانون. محکومیت یک طیب و مدافع حقوق بشر به حبس ابد، صرفاً بر اساس حضور در یک تجمع مسالمت آمیز و ایراد سخنرانی، بدون اثبات رابطه علی با فعل مجرمانه، نه تنها نقض حقوق فردی او، بلکه تهدیدی برای کلیت معماری حقوق بشر بین المللی است. معماری ای که اگر در برابر چنین نمونه هایی سکوت کند، اعتبار خود را به عنوان نظامی برای حمایت از کرامت انسانی، از دست خواهد داد.

از این رو، فراخوان این نوشتار به جامعه حقوقی بین المللی، نهادهای ناظر سازمان ملل، و افکار عمومی جهانی، ساده و روشن است: آزادی فوری و بی قید و شرط دکتر ماهرنگ بلوچ، نه تنها یک ضرورت اخلاقی، بلکه یک تکلیف حقوقی برخاسته از تعهدات الزام آور بین المللی پاکستان است. پایان

د پانو شمیره: له ۵ تر ۵

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په څیر و لولئ